تحلیل ساختار معنایی توبه نصوح در صحیفهٔ سجّادیّه با محوریت آیه
هشتم سوره تحریم ـ منصوره شاهسون
علمی- ترویجی
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال هفدهم، شماره ٦٨ «ویژه قرآن و حدیث»، پاییز ۱۳۹۹، ص ۱٤۳-۱۵۳

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.68.8.9]

تحلیل ساختار معنایی توبه نصوح در صحیفهٔ سجّادیّه با محوریت آیه هشتم سوره تحریم

منصوره شاهسون*

چکیده: «توبهٔ نصوح» از مهمترین عوامل تغییرحالت معنوی انسان و حیات دوبارهٔ او است؛ در این مقاله با عرضهٔ کلام امام سجّاد۷ بر آیات قرآن به تحلیل مناسبی از ساختار معنایی توبه نصوح در صحیفهٔ سجّادیّه می‌رسیم. در این گفتار، معنای توبه، فرآیند توبه، عوامل و موانع توبه، خوف و رجاء و مطالب دیگر در مورد توبه بررسی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: توبه نصوح؛ ساختار معنایی؛ سوره تحریم؛ صحیفهٔ سجّادیّه؛ عوامل توبه؛ موانع توبه؛ خوف و رجاء.

*. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم shahsavan_mansoureh@yahoo.com

مقدّمه

انس توأم با اندیشه، نسبت به ادعیهٔ حیات بخش صحیفهٔ سجّادیّه، که آن را «قرآن صاعد» می‌خوانند، سبب معرفت بیشتر نسبت به قرآن مبین می‌شود؛ زیرا این صحیفهٔ کریمه از مخاطبان حقیقی وحی، یعنی اهل بیت نبوّت: صادر شده است. در واقع نیایش‌های امام سجّاد۷ به منزلهٔ شرح و تفسیر ملکوتی قرآن، و ترجمانی دیگر گونه از آیات کریمهٔ الهی است؛ ازجمله در تبیین معنای توبه که محور اصلی این مقاله است.

خداوند در قرآن کریم بارها انسان را به توبه فرا خوانده و از جوانب آن سخن گفته است. در این میان، توبهٔ نصوح، که در آیهٔ هشتم سورهٔ تحریم بیان شده، بارها در صحیفه سجادیه مطرح شده است. اینک پرسش‌های این مقاله به شرح زیر است: محتوای اصلی این آیه دربارهٔ چیست؟ ارتباط لفظی و محتوایی این آیه با کلام امام سجّاد۷ چگونه است؟ ساختار معنایی توبهٔ نصوح چیست ؟ نقش خوف و رجاء در این میان چیست؟ با مراجعه به تفاسیر قرآن، کتب حدیثی شیعه و شروح صحیفهٔ سجّادیّه می‌کوشیم پاسخی مناسب به این سوالات پیدا کنیم. بنابراین سیر مطالب این جستار را بدین شکل دنبال خواهیم کرد.

۱. ساختار معنایی توبه:

۱-۱. مفهوم توبه:

آیهٔ هشتم سورهٔ تحریم پر بسامدترین آیه از آیات قرآن کریم است که امام سجّاد۷ آن را بطور صریح در بخش‌هایی از سخنان خود به کار برده است. این آیه در بارهٔ «توبهٔ نصوح» سخن می‌گوید که بواسطهٔ آن خداوند بدی‌های انسان گنه‌کار را پوشانده وبندهٔ خود را لایق نعمت‌های دنیوی و اخروی می‌کند. (التحریم، ۸)

از تطبیق و ارائهٔ کلام امام سجّاد۷ با این آیه درمی‌یابیم که توبه از منظر امام

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.68.8.9]

سجّاد۷ عبارت از پشیمانی قلبی و درونی از گناه و پوزش خواهی از خداوند متعال است. «اللَّهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ إِقْرَاراً بِالْإِسَاءَةِ، وَ اعْتِرَافاً بِالْإِضَاعَةِ، وَ لَكَ مِنْ قُلُوبِنَا عَقْدُ النَّدَمِ، وَ مِنْ أَلْسِنَتِنَا صِدْقُ الِاعْتِذَارِ.» (امام سجّاد، دعای ٤٥) این عبارات، مؤیّد سخنی است که امام۷ می‌فرماید: «إِنَّمَا التَّوْبَةُ الْعَمَلُ وَ الرُّجُوعُ عَنِ الْأَمْرِ وَ لَيْسَتِ التَّوْبَةُ بِالْكَلَامِ.» (اربلی، ۱۳۸۱، ج۲، ص ۱۰۱)

توبه در صحیفه به معانی مختلف به کار می‌رود، از جمله:

۱. انابه: «وَ يَا مَنْ عَوَّدَ عِبَادَهُ قَبُولَ الْإِنَابَةِ، وَ يَا مَنِ اسْتَصْلَحَ فَاسِدَهُمْ بِالتَّوْبَةِ...» (امام سجّاد، دعای ۱۲)

۲. ندامت و پشیمانی از گناه، در حالی که انابه را به معنای ترک گناه و بازگشت به سوی خدا به کار می‌برد و استغفار، یعنی طلب مغفرت و آمرزش را به عنوان مرحلهٔ پس از این دو معرّفی می‌کند: «اللَّهُمَّ إِنْ يَكُنِ النَّدَمُ تَوْبَةً إِلَيْكَ فَأَنَا أَنْدَمُ النَّادِمِينَ، وَ إِنْ يَكُنِ التَّرْكُ لِمَعْصِيَتِكَ إِنَابَةً فَأَنَا أَوَّلُ الْمُنِيبِينَ، وَ إِنْ يَكُنِ الِاسْتِغْفَارُ حِطَّةً لِلذُّنُوبِ فَإِنِّي لَكَ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ.» (امام سجّاد، دعای ۳۱)

۳. راهی به سوی عفو الهی: «أَنْتَ الَّذِي فَتَحْتَ لِعِبَادِكَ بَاباً إِلَى عَفْوِكَ، وَ سَمَّيْتَهُ التَّوْبَةَ، وَ جَعَلْتَ عَلَى ذَلِكَ الْبَابِ دَلِيلًا مِنْ وَحْيِكَ لِئَلَّا يَضِلُّوا عَنْهُ، فَقُلْتَ- تَبَارَكَ اسْمُكَ «تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحاً عَسى رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئاتِكُمْ وَ يُدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ» (امام سجاد، دعای ٤٥)

پیامبراکرم٦ دراین باره می‌فرماید: «خداوندی که توبه‌پذیر و مهربان است؛ مرا به راستی بشیر و نذیر مبعوث کرده؛ برای خدا بابی است در آسمان دنیا که باب الرحمة، باب التوبة، باب الحاجات، باب التفضل، باب الاحسان، باب الجود، باب الکرام و باب العفوش نامند.» (ابن بابویه،۱۳۷٦، ص۱۹٤)

٤. راهی برای محو بدیها: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا....تَوْبَةً مُوجِبَةً لِمَحْوِ مَا سَلَفَ، وَ السَّلَامَةِ فِيمَا بَقِيَ» (امام سجّاد، دعای۳۱)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.68.8.9]

امام باقر۷ این باره می‌فرماید: «وَ اللَّهِ مَا يَنْجُو مِنَ الذَّنْبِ إِلَّا مَنْ أَقَرَّ بِهِ». (کلینی، ۱٤۰۷، ج۲، ص٤۲٦) امام رضا۷ نیز در باب توبهٔ حقیقی می‌فرماید: «مَنِ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ بِلِسَانِهِ وَ لَمْ يَنْدَمْ بِقَلْبِهِ فَقَدِ اسْتَهْزَأَ بِنَفْسِهِ». (ورام،۱٤۱۰، ج۲، ص۱۱۰) نیز می‌فرماید: «الْمُسْتَغْفِرُ مِنْ ذَنْبٍ وَ يَفْعَلُهُ كَالْمُسْتَهْزِئِ بِرَبِّهِ» (مجلسی،۱٤۰٤، ج۱۲، ص۱۵۳؛ بحرانی،۱۳۷٤، ج ۵، ص ٦۵)

۲-۱. معنای توبهٔ نصوح

با توجّه به این مطالب، توبه‌ای که در آن بازگشتی دوباره به گناه نباشد، همان "توبهٔ نصوح" است. امام صادق۷ در این زمینه می‌فرماید: «يَتُوبُ الْعَبْدُ مِنَ الذَّنْبِ ثُمَّ لَا يَعُودُ فِيهِ.» (کلینی،۱٤۰۷، ج۲، ص٤۳۲) در کتاب العین آمده: «التوبة النَّصُوح: أن لا يَعود إلى مَا تَابَ عَنهُ.» (فراهیدی، ۱٤۰۹، ج۳، ص۱۱۹) در کلامی دیگر چنین آمده: «النّصاحةُ و هیَ الخِياطةُ بمعنى أنّها تَنصحُ مُنَ الذّين ما مزّقته الذّنوب أو تَجمعُ بينَ صاحِبها وَ بَينَ أولياءَ اللهِ و أَحبائِهِ كَما يَجمَعُ الخيّاطُ بَينَ قطعِ الثّوب.» (مدنی شیرازی، ۱٤۰۹، ج۷، ص۱۳۱) نیز نوشته‌اند: نصوح از "نصاحهٔ الثوب" آمده است به معنای پاره‌دوزی لباس؛ گویی توبه پارگی‌هایی را که در دین به واسطهٔ گناه پدید می‌آید می‌دوزد. (فهری، ۱۳۸۸، ج ۳، ص۳۱۲)

۳-۱. جوانب و آثار توبه نصوح

برخی از روایات، جوانب و آثار توبه نصوح را بر می‌شمرند. از جمله:

۱. امام هادی۷: «أَنْ يَكُونَ الْبَاطِنُ كَالظَّاهِرِ وَ أَفْضَلَ مِنْ ذَلِكَ» (ابن بابویه، ۱٤۰۳، ص۱۷٤)

۲. امام صادق۷: «إِذَا تَابَ الْعَبْدُ تَوْبَةً نَصُوحاً، أَحَبَّهُ اللَّهُ، فَسَتَرَ عَلَيْهِ. فَقُلْتُ: وَ كَيْفَ يَسْتُرُ عَلَيْهِ؟ قَالَ: يُنْسِي مَلَكَيْهِ مَا كَانَا يَكْتُبَانِ عَلَيْهِ، وَ يُوحِي اللَّهُ إِلَى جَوَارِحِهِ وَ إِلَى بِقَاعِ الْأَرْضِ: أَنِ اكْتُمِي عَلَيْهِ ذُنُوبَهُ، فَيَلْقَى اللَّهَ - عَزَّ وَ جَلَّ- حِينَ يَلْقَاهُ وَ لَيْسَ شَيْءٌ يَشْهَدُ عَلَيْهِ بِشَيْءٍ مِنَ الذُّنُوبِ». (کلینی، ۱٤۰۷، ج٤، ص۲۳٤)

۳. امام سجّاد۷: «فَمَا عُذْرُ مَنْ أَغْفَلَ دُخُولَ ذَلِكَ الْمَنْزِلِ بَعْدَ فَتْحِ الْبَابِ وَ إِقَامَةِ الدَّلِيلِ!» (امام سجّاد، دعای ٤۵)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.68.8.9]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.68.8.9]

۲. فرآیند توبه:

انسان با عصیان، از حدّ بندگی خدای تعالی خارج می‌شود، یعنی تخلّف از مقتضای فطرت و حقیقت انسانی را می‌پذیرد. در چنین حالتی است که امام سجّاد۷ به درگاه خداوند عرض می‌کند: «فَهَلْ يَنْفَعُنِي، يَا إِلَهِي، إِقْرَارِي عِنْدَكَ بِسُوءِ مَا اكْتَسَبْتُ؟ وَ هَلْ يُنْجِينِي مِنْكَ اعْتِرَافِي لَكَ بِقَبِيحِ مَا ارْتَكَبْتُ؟ أَمْ أَوْجَبْتَ لِي فِي مَقَامِي هَذَا سُخْطَكَ؟ أَمْ لَزِمَنِي فِي وَقْتِ دُعَائِي مَقْتُكَ.» (امام سجّاد، دعای۱۲)

در این حال، شیطان انسان را به «تسویف» فرا می‌خواند. امام صادق۷ در بارهٔ تسویف می‌فرماید: «تَأْخِيرُ التَّوْبَةِ اغْتِرَارٌ، وَ طُولُ التَّسْوِيفِ حَيْرَةٌ، وَ الِاعْتِلَالُ عَلَى اللَّهِ هَلَكَةٌ، وَ الْإِصْرَارُ عَلَى الذَّنْبِ أَمْنٌ لِمَكْرِ اللَّهِ.» (مفید،۱٤۱۳، ج۲، ص ۲۰۵) این در حالی است که احساس امان از مکر خدا، نشانهٔ خسران است. در قرآن می‌فرماید: «فَلا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخاسِرُونَ» (الاعراف، ۹۹).

بنابراین انسان باید بدون فوت وقت، زمینه‌های پیدایش توبه و هم‌چنین موانع توبه را بشناسد. از جمله این عوامل، چنین است:

۱. علم و معرفت به زیان گناهان. (فیض کاشانی،۱۳٤۲، ج۷، ص ۵؛ مصباح یزدی،۱۳۹۱، ج۱، ص٦٨)

۲. تصمیم و اراده بر اینکه خود را به گناه آلوده نسازد.

۳. معرفت نسبت به این موضوع که جز خداوند متعال کسی قدرت بخشش گناهان او را ندارد. (آل‌عمران، ۱۳۵) کلام امام سجّاد۷ رابطهٔ دوسویهٔ خداوند رحیم و غفار با بندهٔ تهی‌دست و گنهکار را نشان می‌دهد: «وَ لَا أَخَافُ عَلَى نَفْسِي إِلَّا إِيَّاكَ، إِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوى وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ» (امام سجّاد، دعای ۱۲)

آری؛ بندگان صالح خدا پیوسته این شعار را بر لب دارند که: «كَيْفَ لَا أَسْتَعِزُّ وَ إِلَيْكَ نَسَبْتَنِي» (ابن طاووس، ۱٤۰۹، ج۱، ص۳۵۰)، چگونه سربلند نباشم؟ و حال آن‌که به تو منسوب و وابسته‌ام.

۳. موانع توبه:

چرا با وجود آگاهی از پیامدهای زیان‌بار گناهان، انسان اراده و تصمیم جدّی بر ترک گناه و توبه ندارد؟ در اینجا برخی از عوامل بازدارنده از توبه بیان می‌شود:

۱. وسوسه‌های شیطانی و شبهاتی که شیطان در دل انسان پدید می‌آورد و مانع از این می‌شود که انسان به دانسته‌های خود جامهٔ عمل بپوشاند. یکی از تلاش‌های شیطان آن است که لذّت‌های آنی و دنیوی را در برابر دیدگان انسان، لذّت‌بخش‌تر از لذّت‌های معنوی و اخروی جلوه‌گر سازد. امام سجّاد۷ در این باره می‌فرماید: «لَا تَشْغَلْنِی بِمَا لَا أُدْرِكُهُ إِلَّا بِكَ عَمَّا لَا يُرْضِيكَ عَنِّی غَيْرُهُ. وَ انْزِعْ مِنْ قَلْبِي حُبَّ دُنْيَا دَنِيَّةٍ تَنْهَى عَمَّا عِنْدَكَ، وَ تَصُدُّ عَنِ ابْتِغَاءِ الْوَسِيلَةِ إِلَيْكَ، وَ تُذْهِلُ عَنِ التَّقَرُّبِ مِنْكَ. وَ زَيِّنْ لِیَ التَّفَرُّدَ بِمُنَاجَاتِكَ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ» (امام سجّاد، دعای۴۷)

۲. القاء شبههٔ همسان‌انگاری سختی‌های دنیوی با سختی‌ها وکیفرهای اخروی توسط شیطان. این شبهه ناشی از ضعف ایمان است که کیفر گناه را با لذّت گناه قابل مقایسه نمی‌داند. امام سجّاد۷ به درگاه خداوند متعال چنین عرضه می‌دارد: «فَمَثَلَ بَيْنَ يَدَيْكَ مُتَضَرِّعاً، وَغَمَّضَ بَصَرَهُ إِلَى الْأَرْضِ مُتَخَشِّعاً، وَ طَأْطَأَ رَأْسَهُ لِعِزَّتِكَ مُتَذَلِّلًا، وَ أَبَثَّكَ مِنْ سِرِّهِ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنْهُ خُضُوعاً، وَعَدَّدَ مِنْ ذُنُوبِهِ مَا أَنْتَ أَحْصَى لَهَا خُشُوعاً، وَاسْتَغَاثَ بِكَ مِنْ عَظِيمِ مَا وَقَعَ بِهِ فِی عِلْمِكَ وَ قَبِيحِ مَا فَضَحَهُ فِی حُكْمِكَ: مِنْ ذُنُوبٍ أَدْبَرَتْ لَذَّاتُهَا فَذَهَبَتْ، وَ أَقَامَتْ تَبِعَاتُهَا فَلَزِمَتْ.» (امام سجّاد، دعای۳۱)

۳. ضعف اراده که باعث کوتاهی در امر توبه می‌شود. امام سجّاد۷ در این باره می‌فرماید: «وَ قَرِّبِ الْوَقْتَ فِيهِ، وَ لَا تَسُمْنَا الْغَفْلَةَ عَنْكَ، إِنَّا إِلَيْكَ رَاغِبُونَ، وَ مِنَ الذُّنُوبِ تَائِبُونَ.» (امام سجّاد، دعای۳۴) خداوند متعال بارها در قرآن، بندگان خود را نسبت به آن هشدار داده و می‌فرماید: «وَ لا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْساهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولئِكَ هُمُ الْفاسِقُونَ.» (الحشر، ۱۹)

۴. چگونگی وعدهٔ پذیرش توبه و وسعت دامنهٔ آن

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.68.8.9]

خداوند، بندگان خود را به توبه دعوت، و وعدهٔ بخشش و رحمت بی‌نهایت داده است. «قُلْ یا عِبادِیَ الَّذِینَ أَسْرَفُوا عَلی أَنْفُسِهِمْ لا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِیعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِیم.» (الزمر، ۵۳) نیز به انسان نوید می‌دهد: «وَ هُوَ الَّذِی یَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبادِهِ وَ یَعْفُوا عَنِ السَّیِّئاتِ ...» (الشوری، ۲۵)

امام سجّاد۷ در کلام خود با اشاره به چنین وعده‌ای می‌فرماید: «وَ یا مَن ضَمِنَ لَهُم اجابةَ الدُّعاء.» (امام سجّاد، دعای۳۱) به خاطر امید به چنین بخششی، امام سجّاد۷ با طلب عفو از درگاه خداوند می‌فرماید: «اللَّهُمَّ إِنِّی أَتُوبُ إِلَیْكَ فِی مَقَامِی هَذَا مِنْ كَبَائِرِ ذُنُوبِی وَ صَغَائِرِهَا، وَ بَوَاطِنِ سَیِّئَاتِی وَ ظَوَاهِرِهَا، وَ سَوَالِفِ زَلَّاتِی وَ حَوَادِثِهَا، تَوْبَةَ مَنْ لَا یُحَدِّثُ نَفْسَهُ بِمَعْصِیَةٍ، وَ لَا یُضْمِرُ أَنْ یَعُودَ فِی خَطِیئَةٍ» (همان)

امام صادق۷ در همین مضمون می‌فرماید: «مَا مِنْ مُؤْمِنٍ یُذْنِبُ ذَنْباً إِلَّا أُجِّلَ سَبْعَ سَاعَاتٍ فَإِنِ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ غُفِرَ لَه.» (کوفی اهوازی،۱۴۰۲، ص ۷۴)

۵. خوف و رجاء

بندهٔ گنه‌کار باید در قبول یا عدم قبول توبه‌اش از جانب خداوند متعال، حالتی بین خوف و رجا داشته باشد تا خود را مستعدّ دریافت رحمت الهی کند، چنان‌که خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «...وَ ادْعُوهُ خَوْفاً وَ طَمَعاً إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِیبٌ مِنَ الْمُحْسِنِینَ.» (الأعراف،۵۶) در واقع «خوف و رجا» از دیگر مبانی تربیتی صحیفه سجادیه است.

واژه خوف که در لغت به معنای نگرانی و واهمه آمده است. (ابن منظور، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۲۴۸) در معنایی دیگر: «حالت ناراحتی و نگران کننده‌ای است که در آن انتظار ضرری می‌رود که در حال حاضر یا آینده موجب زوال امنیت و آسایش است.» (مصطفوی،۱۳۶۰، ج ۳، ص ۱۴۵) بر اساس شناخت فطری باید اندیشید که خداوند می‌تواند همه نعمت‌هایی را که در این دنیا به ما داده است مانند: عمر، سلامتی، دوستان،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.68.8.9]

آشنایان، اولاد، اموال و... از ما بازستاند.

متعلّق این بیم و امید کیست؟ دین در تبیین متعلّق واقعی بیم و امید نقش اساسی دارد. در ادیان به ویژه اسلام، مسئله «خوف از خدا» از مهم‌ترین امتیازهای افراد باایمان است. امام سجّاد۷ در صحیفه سجّادیّه بارها به مقام خائفین اشاره فرموده است. کلام امام سجّاد۷ در بارهٔ این بیم به چند گونه است:

الف) بیم از خدا: «مِنْکَ اَخافُ وَ بِکَ اَسْتَغِیثُ.» (امام سجّاد، دعای ۵۲) نیز: «قَدْ تَرى یا اِلهی فَیْضَ دَمْعِی مِنْ خِیفَتِک.» (همان، دعای ١٦)

ب) بیم ازمقام (جایگاه) خدا: «وَ اَخِفْنی مَقامَکَ وَ شَوِّقْنی لِقاءَکَ» (همان، دعای ٤٧)

پ) بیم ازلقای خدا: «وَ اَشْرَفْتُ عَلی خَوْفِ لِقائِکَ» (همان، دعای ٢١)

ت) بیم ازکیفر الهی: «اَللّهُمَّ ارزُقْنا خَوْفَ عِقابِ الْوَعِید » (همان، دعای ٤٥)

پس خوف یکی از مبانی تربیتی است که امام سجّاد۷ آن را موجب خضوع و خشوع در برابر خداوند متعال می‌داند.

امّا واژه «رجاء» که در مقابل «خوف» به کار می‌رود به معنای امید و آرزو است. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۳، ص ۱۸۹) یعنی خداوند می‌تواند در آینده نیز به اعطای نعمت‌های دنیوی ادامه دهد و از نظر کمّی و کیفی بر آن بیفزاید و ما را از نعمت‌های بزرگ اخروی برخوردار سازد. در صحیفهٔ سجّادیّه، آنجا که متعلّق ویژگی «رجاء»، خداست، به عنوان یکی از مظاهر توحید به شمار آمده است. در کلام امام سجاد۷ متعلّق امید به چند صورت بیان شده که بازگشت همه آنها به خداست:

الف) امید به خدا: «وَ لا اَرْجُو غَیرَک» (امام سجّاد، دعای ۵۱)

ب) امید به رحمت خدا: «اِنَّما اُوَبِّخُ بِهذا نَفْسِی» (همان، دعای ١٦)

پ) امید به عفو الهی: «فأَقْدَمَ عَلَیْهِ عارِفا بِوَعِیدِکَ راجِیًا لِعَفوِکَ، واثِقا بِتَجاوُزِک» (همان، دعای ٤٧)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.68.8.9]

ت) امید به شفاعت پیامبر و آل او: «وَ لا شَفاعَةَ مخلُوقٍ رَجَوْتُهُ اِلاّ شَفاعَةَ مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَيْتِهِ» (همان، دعای ٤٨)

ث) امید به سعادت و نیک بختی: «يَرْجُونَ تِجارَةً لَنْ تَبُور» (همان، دعای ٤)

نکته دیگر، نقش تعادلی خوف و رجاء در زندگی انسان است که اگر نباشد، انسان قادر به زندگی نیست. غلبهٔ خوف بر امید انسان را به ناامیدی می‌کشاند و غلبهٔ امیدواری بر خوف انسان را به غرور و غفلت می‌کشاند. امام سجّاد۷ در بارهٔ تعادل میان این دو ویژگی می‌فرماید: «وَ اَخِفْنِي مَقامَکَ و شَوِّقْنِي لقاءک» (همان، دعای ٤٧)

شناخت این حقایق که سعادت و شقاوت انسان در دنیا و آخرت به دست خداوند است، دو حالت روانی و نفسانی "خوف" و"رجا" را در انسان برمی‌انگیزد. پیامد خوف، تأسّف و پشیمانی از عمری است که با گناه سپری و تباه شده است. در مقابل، امید انسان به خداوند متعال انسان را مستعدّ دریافت رحمت الهی می‌کند.

۶. نتیجه‌گیری

۱. توبه که در قرآن و کلام امام سجّاد۷ به آن تأکید فراوان شده است، نیاز به عوامل معرفتی دارد که تا آن معارف برای انسان حاصل نشود توفیق بر امر توبه نیز پدید نخواهد آمد.

۲. توبه یکی از اصیل‌ترین مفاهیم دینی بوده که فقط در بستر اندیشهٔ دینی می‌روید و خداوند طرح و نقشهٔ آن را در قرآن و به زبان رسولان و امامان۷ بازگو کرده، و سالک این مسلک را هدایت نموده است.

۳. بزرگان دین ما از دو شیوه برای توبهٔ از گناه سخن گفته‌اند؛ اول از طریق تامّل در آسیبی که گناه به آدمی وارد می‌کند و دوم از طریق خجلتی که آدمیان در برابر پروردگار می‌برند؛ بسته به این‌که کدام طریق برای افراد مهم‌تر باشد و از کدام مسیر استدلال موثّر واقع شود.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.68.8.9]

٤. خوف بنده از خداوند حالتی است محمود و پسندیده؛ که اگر این عنصر در بندهٔ توبه کننده نباشد عبودیّتش دچار نقصان است. نگرانی از عذاب، درجه‌ای از درجات خوف است، لکن درک قدرت و احاطهٔ خداوند بر همهٔ هستی و بر سرنوشت انسان نیز آدمی را دچار هیبت و ترسی می‌کند که با خوف از عذاب فرق دارد.

٥. در زمینهٔ توبه که همان اقرار به گناه است، در فرهنگ دینی ما، امامان معصوم: بخصوص امام سجّاد۷ از خداوند می‌خواهد که به او «استقلال خیر و استکثار شر» بدهد، یعنی بدی‌ها را در چشم او فراوان و نیکی‌ها را اندک جلوه دهد.

٦. ما مسلمانان باید با تاسّی به قرآن و کلام امام سجّاد۷ و بازگشت حقیقی به دو ثقل گرانبها، معنا و روش صحیح توبه را از نوع گفتار قرآن و رفتار امام سجّاد۷ بیاموزیم و با خدای خود چنان سخن بگوییم که گویی با حالتی میان خوف و رجا، امید مغفرت و بخشش داریم.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغة، شریف الرضی، محمد بن حسین، قم، چاپ: اول، ١٤١٤ ق.

الصحیفة السجادیة، قم، چاپ: اول، ١٣٧٦ش.

١. ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الأخبار – قم، چاپ: اول، ١٤٠٣ ق.

٢. ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی (للصدوق) / ترجمه محمد باقر کمره‌ای، تهران، چاپ: ششم، ١٣٧٦ش.

٣. ابن طاووس، علی بن موسی، إقبال الأعمال (ط – القدیمة)، تهران، چاپ: دوم، ١٤٠٩ ق.

٤. ابن فهد حلی، احمد بن محمد، عدة الداعی و نجاح الساعی، چاپ: اول، ١٤٠٧ ق.

٥. ابن منظور، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ ٤، ١٤١٦ ه.ق.

٦. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، محقق / مصحح: رسولی محلاتی، سید هاشم؛ تبریز: بنی هاشمی، ١٣٨١ ق.

٧. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، چاپ: اول، ١٣٧٤ ش.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.68.8.9]

۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دمشق، چاپ: اول، ١٤١٢ق.
۹. شعرانی، میرزا ابوالحسن، ترجمه و شرح صحیفهٔ کامله سجّادیّه، تهران، اسلامیّه، چاپ اول، ١٣٤٦ ش.
۱۰. فراهیدی، خلیل بن أحمد، کتاب العین، قم، چاپ: دوم، ١٤٠٩ق.
۱۱. فهری، سیّد احمد، شرح و ترجمهٔ صحیفهٔ سجّادیّه، تهران، سازمان اوقاف و امور خیریّه، اسوه، چاپ: دوم ، ١٣٨٨ ش.
۱۲. فیض کاشانی، مولی محسن، المحجة البیضاء فی تهذیب الاحیاء، مکتبة الصدوق، تهران،١٣٤٢.
۱۳. کبیر مدنی شیرازی، سید علی خان بن احمد، ریاض السالکین فی شرح صحیفة سیّد الساجدین – ایران؛ قم، چاپ اول، ١٤٠٩ق.
١٤. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی تهران، اسلامیه، چاپ: چهارم، ١٤٠٧ ق.
١٥. کوفی اهوازی، حسین بن سعید، الزهد، قم، چاپ دوم، ١٤٠٢ق.
١٦. مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران، چاپ: دوم، ١٤٠٤ ق.
۱۷. مصباح یزدی، محمّد تقی، سجّاده‌های سلوک، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ دوم ١٣٩١.
۱۸. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ١٣٦٠.
۱۹. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد – قم، چاپ: اول، ١٤١٣ ق.
۲۰. ورام بن أبی فراس، مسعود بن عیسی، مجموعهٔ ورّام – قم، چاپ: اول، ١٤١٠ ق.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.68.8.9]